



■ پاسخ‌نامه‌ی درس دوم

تکواژ، واژه، جمله

۱. ابتدا باید کسره‌گذاری کنیم؛ سپس بهتر است واژه‌به‌واژه تعداد تکواژها را مشخص کنیم:
 نقاد / یعنی / کس + ی / که / با / تیز + بین + ی / او / ژرف + نگر + ی / نوشت + ه / یا / اثر + ی / را / از / نظر /
 - / خود / می + گذر + از + - / د / بی + شک / بای + - / د / به / ویژه + ی + ها / - / مثبت / - / اخلاق + ی /
 آراست + ه / باش + - / د /
 ۲۷ واژه و ۴۴ تکواژ

۱- در این عبارت، «آراسته» مسند و «باشد» فعل جمله است؛ یعنی هر یک واژه‌ای مستقل به‌شمار می‌آیند.
 ۲- «باید» فعل است و در هر فعلی شناسه داریم.


۲. (۱) الف + با + ی + درد + از + لب + م + می + تراو + - / د ← ۱۰ تکواژ
 (۲) نه + شب + نم + که + خون + از + شب + م + می + تراو + - / د ← ۱۱ تکواژ
 (۳) ز + دل + بر + لب + م + تا + دعا + ی + بر + آ + - / د ← ۱۱ تکواژ
 (۴) اجابت + ز + هر + یا + رب + م + می + تراو + - / د ← ۹ تکواژ
 ۳. (۱) نه + زورقی + نه + سیلی + نه + سایه + - / ابری ← ۸ واژه
 (۲) تهی + است + آینه + مرداب + انزوا + - / من + را ← ۸ واژه
 (۳) خوش + آن + که + سر رسد + م + روز + و + سرد مهر + سپهر ← ۹ واژه
 (۴) شبی + دو + گرم + به + شیون + کند + سرا + - / من + را ← ۱۰ واژه
 ۴. دوباره باید واژه به واژه، تکواژها را مشخص کنیم:
 قلی / عاشق + پیشه / بود + Ø / رقیب / - / همه / - / پسر + ان / - / ایل / بود + Ø / در / عروس + ی + ها /
 همیشه / آراست + ه / و / رنگ + ین / او / زود + تر / از / همه / به / میدان / - / رقص / پا + می + گذاشت* + Ø /
 ← ۲۶ واژه و ۳۸ تکواژ
 * «پا می گذاشت» (وارد می‌شد) فعل مرکب است و یک واژه به‌شمار می‌آید، زیرا «پا» گسترش پیدا نمی‌کند.
 ۵. صادر + ات / - / روز + افزون / او / مبادله + ات* / - / هنگفت / - / مال + ی / - / کشور / - / ترک + یتِه /
 با / سایر / - / کشور + ها / نشان + ه / - / پیش + رفت / - / اقتصاد + ی / او / نتیجه / - / طبیعی* / - / ارشد /





ـ / اجتماع + ی / سیاسی / اداره + ی / و / تجاری / ـ / این / کشور / است + ∅ ← ۳۸ واژه و ۵۰ تکواژ
* توجه: در تست‌های کنکور سال‌های گذشته، افتادن «ه» تأنیث از پایان واژه‌های عربی، هنگام افزوده شدن پسوند
«ات» یا «ی»، مشکلی در تجزیه‌ی آن واژه به حساب نیامده است؛ چند نمونه: استعاری، استعارات، اداری، ادارات، عاطفی
(همگی ۲ تکواژ)

** توجه: اما در همین تست‌های کنکور سال‌های گذشته! افتادن «ت» تأنیث پایان واژه‌های عربی هنگام افزوده شدن
پسوند «ات» یا «ی» مانع تجزیه‌ی آن واژه شده است! چند نمونه: لغات، ملی، سیاسی، طبیعی (همگی یک تکواژ)

۶.  بر + رس + ی / ـ / نظر + یه + ات / ـ / علم + ی / بای + د / رو + ـ ند * / ـ / عادی * * / او / به + دور /
از / شتاب + زد + ـ + ی / را / طی * * * + نما + د ← ۱۵ واژه و ۲۸ تکواژ
* نکته: «روند» و «گزند» اسم‌هایی هستند با این ساختار استثنایی: «بن مضارع + پسوند ـ ند»
* یادآوری: «عادی» این‌گونه ساخته شده است (عادت + ی) و چون «ت» از پایان این واژه افتاده است، مانند واژه‌ی
«ملی»- برای کسب رضایت خاطر طراحان محترم آزمون سراسری البته!- آن را تجزیه نمی‌کنیم.
* * * یادآوری: «طی» گسترش نمی‌یابد، بنابراین دیگر اسم نیست و با فعل ترکیب شده است. («طی کردن» یا
«طی نمودن» فعلی مرکب است)


۷.  حافظ / جور / ـ / محبوب / را / از / چه / چیز + ی / به + تر / و / شیرین + تر / می + دان + د


۸.  (۱) افسوس + که + بی + فایده + فرسود + ه + شد + یم ← ۸ تکواژ


(۲) و + از + داس + ـ + سپهر + ـ + سر + نگون + سود + ه + شد + یم ← ۱۲ تکواژ («سود» بن مضارع مصدر
«سودن» یا همان «ساییدن» است.)


(۳) درد + ا + ندامت + ا + که + تا + چشم + زد + یم ← ۹ تکواژ


(۴) نا + بود + ه + به + کام + ـ + خویش + نا + بود + ه + شد + یم ← ۱۲ تکواژ

۹.  چه / اطلاع + ات + ی / در / زمین + ه / ـ / ویژه + ی / ها / ـ / بنا + ها / ـ / آن / جا / به + دست + می
+ آی + د


۱۰.  توصیف + ات / ـ / زیب + ا / و / تصویر + گر + ی / ها / ـ / دل + پذیر / او / به + جا / را / با / بیان / ـ /
خویش / در + آمیز + د


۱۱.  طنز / ـ / موجود / در / این / شعر / طنز / ـ / رند + انه / ـ / حافظ / را / فرا + یاد + می + آور + د

۱۲.  در / کلمه / ـ / خواب / فر + آی + ند (= نده) / ـ / واج + ی / ـ / کاه + ش / ـ / آوا + ی / صورت
+ پذیرفت + ه + است + ∅

۱۳.  از / ارز + ـ + ش + گذار + ی / ـ / نا + رو + ا + به + تنگ + آمد + ه + بود + ∅

۱۴.  داشت + ∅ / از / از + سر + گرفت + ـ + ن / ـ / خود + خواه + ی / بر + حذر + داشت + ه + می + شد + ∅

۱۵.  برای / ره + ا + ی / ـ / دوست + ان / ـ / خود / از + خود + گذشت + ه + ی / ـ / مثال + زد + ـ + ن + ی
+ ی / به + خرج + داد + ∅

۱۶.  برای + شمس‌الدین * / حافظ / ـ / شیراز + ی / زیر + و + بم / ـ / نوا / ـ / دروغ + ین / ـ / سالوس + ان /
و / نان + به + نرخ + ـ + روز + خور + ان * * / شناخت + ه * * * / است + ∅ ← ۱۶ واژه و ۲۹ تکواژ

* تکواژهای دوسوی «ال» در زبان پارسی تجزیه نمی‌شوند؛ چند نمونه: مسجدالحرام، عام‌المنفعه، علی‌الخصوص (همگی
یک تکواژ)

** برخی از اسم‌ها یا صفت‌ها در زبان پارسی، چندجزئی و طولانی هستند، اما هر فارسی‌زبانی می‌داند که آن‌ها یک





۲- «ی» نکره‌ساز

۳- «الف» ندا یا تأکید در پایان واژه‌ها (مثال: خدایا، دردا)

۴- «تر» و «ترین»

۶- چهار پیش‌وند «می»، «بی»، «نت» و «مت» در فعل‌ها

۷- «ان» سببی (گذراساز) فعل‌ها

۸- همه‌ی شناسه‌ها

۱- «ی» در «کهتری» (مصراع نخست) مفهوم نکره دارد (کهتری = یک آدم کوچک و فرودست) اما در «مهتری» مفهوم مصدری دارد و است (مهتری = مهتر بودن) و از میان «ی»ها تنها «ی» نکره است که تکواژ تصریفی به‌شمار می‌آید. «ی» اسم‌ساز و صفت‌ساز یا همان «ی»های مصدری و نسبی، تکواژ اشتقاقی هستند، چون واژه‌های تازه می‌سازند.

(در مصراع دوم «ی» در «کهتری» نکره است یا اسم‌ساز؟)

۲- «ی» در «خردشاخی»، «ی» نکره‌ساز است (یک شاخه‌ی کوچک)

۳- روشن است که «ی» در «سرسری» نکره‌ساز نیست (سرسری ≠ یک «سرسر» که نمی‌شناسیمش^۱)

۴ و ۵- پیش‌وندهای «مت» در آغاز دو فعل «منگر»

۶ و ۷- شناسه‌های تهی در پایان فعل‌های «منگر»، «شد»، «منگر»

۸- شناسه‌ی «تد» در «یابد».

۳۷. (۱) «تر» و شناسه‌ی فعل ← ۲ تکواژ تصریفی

(۲) فقط شناسه‌ی فعل «کرده‌ام» ← ۱ تکواژ تصریفی

(۳) «ها»، «ی» نکره‌ساز در «ویرانه‌ای»، پیش‌وند «ن» در «نیست» شناسه‌ی فعل نیست (∅) ← ۴ تکواژ تصریفی

(۴) «ها»، شناسه‌ی فعل کن (∅)، شناسه‌ی فعل است (کیست = کی + است) ← ۳ تکواژ تصریفی

۳۸. (۱) «ی» نکره در «حوری» ۲- «ی» نکره در «جزئی» ۳- «ی» نکره در «قصوری» ۴ و ۵- شناسه‌ی تهی در پایان دو فعل «است».

۳۹. (۱) شناسه‌ی «م» ۲ و ۳- «ین» در «بهین» و «مهین»، چون در این دو مورد خاص، معنای «ترین» می‌دهد (اما در «اولین»، «چندین»، «کدامین»، «آهنین» و ... این‌گونه نیست و در همه‌ی این موارد تکواژ وابسته‌ی اشتقاقی است). ۴- شناسه‌ی ∅ در «شد».

۴۰. (۱) «ی» در «سخن‌دانی»، مصدری است (سخن‌دان بودن) // «ی» در «پنهانی» قیدساز است.

(۲) «ی» در «خدای» برای زیبایی است و اصلاً تکواژ نیست (حتی صامت میانجی هم نیست)، «ی» در «بیدلی» مصدری است (بیدلی = بیدل بودن / بیدلی کردن)

(۳) در گزینه‌ی سوم «روزی» به معنای «رزق» است و روشن است که تکواژ «ی» در آن نکره‌ساز نیست.

(۴) «ی» در پایان «طریقی» نکره‌ساز است (به این طریق) // نکشد کافری مسلمانی = هیچ کافری، مسلمانی را این‌گونه نمی‌کشد ⇐ در این‌جا هم هردو «ی» مفهوم نگرگی (ناشناختگی) به همراه دارند، پس تکواژ تصریفی هستند.

۴۱. (۱) ساعد + ی + از + اواخر + ی + ده + ی + سی + به + طور + ی + به + نوشت + ی + ن + اش

۱. این «ی» قیدساز است؛ مانند: دستی‌دستی، زبانی (زبانی آرومش کن) پنهانی، نهانی، تلفنی و ...





پرداخت + Ø + و + در + طول + ـ + بیست + سال + نویس + نده + ی + طبع + ـ + خویش + را + در + تص

عرصه + ها + ـ + گون + ا + گون + آزمود + Ø + تص تص تص

۴۲. (۱) ۱- «ی» نسبی در ایرانی ۲- «د» در باید ۳ و ۴- «ی» اسم‌ساز (مصدری) و «ها» در «ویژگی‌ها» ۵- «ی» نسبی در «فرهنگی» ۶- شناسه در «کند»

(۲) ۱- «ی» مصدری در «آزادی» ۲- «ه» در «اندیشه» ۳ و ۴- «ش» و «ها» در «ارزش‌ها» ۵ و ۶- «می» و شناسه در «پاس‌می‌داریم»

(۳) ۱- «ها» در «تمدن‌ها» ۲ و ۳ و ۴- «ا» و «ی» مصدری و «ها» در «توانایی‌ها» ۵- «ار» در «برخوردار»

(۴) ۱- «ها» در «بنیادها» ۲- «ها» در «جنبه‌ها» ۳- «ی» نسبی در «فرهنگی» ۴- شناسه در «سازیم»

۴۳. واژه‌ها: عشق / عادت / به / دوست‌داشتن / ـ / دیگری / نیست / پیوسته / نوکردن / ـ / خواستنی / است / که / خود / پیوسته / خواهان / ـ / نوشدن / است / و / دیگرگون شدن ← ۲۱ واژه

تکواژهای وابسته‌ی تصریفی (صرفی): ۱- «ی» نکره در «دیگری» ۲- «ن» در «نیست» ۳- شناسه‌ی Ø در «نیست» ۴- «ی» نکره در «خواستنی» (متن را درست بخوانیم!) ۵- شناسه‌ی Ø در «است» ۶- شناسه‌ی Ø در «است»

۴۴. واژه‌ها: همگان / پس / از / خواندن / ـ / ابیات / ـ / او / به / ارزش / ـ / کشته‌شدن / در / راه / ـ / وطن / پی‌می‌برند (فعل مرکب) ← ۱۷ واژه

تکواژهای وابسته: ۱- «ان» جمع در «همگان» ۲- «ن» در «خواندن» ۳- «ش» در «ارزش» ۴- «ه» در «کشته» ۵- «ن» در «شدن» ۶ و ۷- «می» و «ند» در «می‌برند».

۴۵. همه‌ی تکواژها، مستقلاً واژه نیستند؛ بنابراین غلط‌بودن گزینه‌ی ۱ و ۲ از همان ابتدا روشن می‌شود. باز هم روشن است که واژه‌ها زیرمجموعه‌ای از تکواژها نیستند، پس گزینه‌ی ۴ هم نادرست است ← گزینه‌ی ۳ درست است.

از طرح گزینه‌ی ۳ این نتایج به‌دست می‌آید:

- بسیاری از تکواژها، واژه هم هستند (درست است، همه‌ی تکواژهای آزاد این‌گونه‌اند).

- بعضی از واج‌ها، تکواژ هم هستند (درست است، مانند تکواژهای ـ ، ه ، ی)

- در زبان فارسی دست‌کم یک جزء پیدا می‌شود که یک واج باشد، یک تکواژ هم باشد و یک واژه هم به حساب بیاید؛ این چیزی نیست جز کسره‌ی نقش‌نمای اضافه و صفت.

۴۶. جمله‌ها را می‌توان به این دو شکل دسته‌بندی کرد: ۱- جمله‌ها یا ساده‌اند یا مرکب ۲- جمله‌ها یا مستقل هستند یا غیرمستقل (پایه یا پیرو)

۴۷. «تکواژ» واحدی است مربوط به نظام معنایی و دستوری زبان. «هجاء» واحدی است مربوط به نظام آوایی زبان.

تنها ارتباط «هجاء» و «تکواژ» این است که هر دو از «واج» تشکیل شده‌اند، اما برخلاف «تکواژ» هر هجا لزوماً معنا یا کارکرد دستوری ندارد؛ از سوی دیگر، در هر تکواژی قواعد واجی ساخت هجاها رعایت نمی‌شود. مثلاً بسیاری از پس‌وندها با مصوّت آغاز می‌شوند (ان، انه، ینه) یا اصلاً فقط یک مصوّت تنها هستند (ب ه) و اصلاً صامت میانجی به‌خاطر همین مشکل هجایی تکواژها خلق شده‌است و به‌کار می‌رود؛ پس این نمودار درختی درست است:



۴۸.

۱. «بر» در «برخوردار» معنای «بر و بار» و «محصول» می‌دهد؛ بنابراین تکواژ آزاد است.

